

خب آنچه پیش آمد، شکست دشمن و پیروزی ملت ایران بود؛ این، معلوم و مشخص است. بنده نمیخواهم به طور قاطع بگویم، لکن میخواهم بگویم ملت ایران که توانسته از بدخواهی دشمن و توطئه‌ی دشمن این‌چنین پیروز بیرون بیاید، این پیروزی را باید حفظ کند که آن هم با آمادگی است، با هوشیاری است، با اتحاد ملّی است.

۱۴۰۴/۱۱/۲۸

▼ حرف روز سه سناریو برای مدیریت مصرف بنزین

بازهم ماجرای بنزین و نگرانی مردم! اما برای فهم درست ماجرا، باید یک نکته را در ابتدا روشن کنیم. مسئله اصلی بنزین در ایران فقط قیمت نیست؛ مسئله اصلی، ناترازی میان تولید و مصرف است.

بر اساس ارقام مطرح‌شده، روزانه حدود ۱۳۵ میلیون لیتر بنزین مصرف می‌شود، در حالی که تولید داخلی حدود ۱۲۰ میلیون لیتر است؛ یعنی هر روز با کسری روبه‌رو هستیم. در شرایطی که واردات بنزین نیز به دلایلی امکان‌پذیر نیست، ناچاراً این فاصله باید از طریق کاهش مصرف و کاهش نشتی‌ها جبران شود.

دولت برای مدیریت این شرایط سه سناریو مطرح کرده است: جیره‌بندی، مدل کرمان و بنزین سرانه.

جیره‌بندی مزیت مهمی دارد؛ اینکه بدون افزایش شدید قیمت، مصرف را سریع پایین می‌آورد. اما مشکل اساسی اینجاست که وقتی قیمت ثابت بماند و کالا کمیاب شود، قیمت حذف نمی‌شود؛ فقط شکل قیمت عوض می‌شود. قیمت واقعی ممکن است به شکل صف، اتلاف وقت، بازار سیاه، واسطه‌گری، رابطه و حتی فساد ظاهر شود. تجربه نیز نشان داده که سهمیه‌بندی می‌تواند مصرف و قاچاق را تا حدی کاهش دهد، اما اگر سهمیه کافی نباشد، بازار غیررسمی شکل می‌گیرد.

ظاهر مدل کرمان منطقی‌تر است؛ یعنی مقدار مشخصی بنزین با قیمت یارانه‌ای در اختیار مردم قرار گیرد و مصرف بیشتر با قیمت بالاتر محاسبه شود. این روش می‌تواند مصرف اضافی را کنترل کند، اما اگر قیمت مصرف‌مازاد بیش از حد بالا باشد، هزینه حمل‌ونقل، تولید و توزیع کالا افزایش پیدا می‌کند و فشار تورمی به مردم منتقل می‌شود. مدل سوم یعنی بنزین سرانه یک مزیت مهم دارد؛ یارانه را از خودرو به انسان منتقل می‌کند. کسی که خودرو ندارد نیز سهمی از یارانه بنزین خواهد داشت و کسی که چند خودرو دارد، صرفاً به دلیل داشتن خودروهای بیشتر، یارانه بیشتری دریافت نمی‌کند. اما این مدل نیز به‌تنهایی کافی نیست؛ زیرا نیاز یک راننده، یک خانواده روستایی و یک شهروند شهری یکسان نیست. ضمن اینکه تورم شدید ایجاد می‌کند. به نظر می‌رسد بهترین راه، انتخاب یکی از این سه سناریو به شکل خالص نباشد؛ بلکه باید ترکیبی از آنها را اجرا کرد: سهمیه پایه سرانه برای مردم، سهمیه ویژه و متناسب با پیمایش برای تاکسی‌ها، وانت‌ها و مشاغل ضروری، قیمت پلکانی برای مصرف‌مازاد و در کنار همه اینها، برخورد جدی با قاچاق. البته نیازمند یک زیرساخت فوق‌العاده قوی هستیم.

نکته مهم این است که فقط نباید مصرف‌کننده را مقصر بدانیم. اگر در جایگاه‌ها و شبکه توزیع (جایگاه سوخت) و تولید (پالایشگاه) نشتی و قاچاق وجود دارد، محدود کردن سهمیه مردم به‌تنهایی مسئله را حل نمی‌کند؛ یعنی شبکه توزیع و تولید نیز کنترل و نظارت شود. راه‌حل اساسی بنزین، مدیریت مصرف و کنترل نشتی‌ها در کوتاه‌مدت و اصلاح ساختار در بلندمدت است.

[علی محمدی]

▼ گزارش روز هرج و مرج در اردوگاه جمهوری خواهان برای جانشینی ترامپ

با اعلام صریح دونالد ترامپ مبنی بر اینکه قانون اجازه نلزمی مجدد او برای ریاست جمهوری را نمی‌دهد کارزار جانشینی در جنبش MAGA رسماً آغاز شده است. در غیاب ترامپ، حالا هر یک از وارثان و مدعیان، خود را شایسته‌ترین گزینه برای تصاحب کرسی ریاست جمهوری می‌دانند. اما آنچه در این میان جلب توجه می‌کند، نه شایستگی‌های فردی، که آزمندی و رقابتی است که چهره واقعی این جریان را بیش از پیش آشکار می‌سازد. ترامپ اکنون با خروج اجباری از صحنه، حزی را به یادگار می‌گذارد که در فقدان او، درمناهد و سرگردان است و هر یک از مدعیان، خود را وارث برحق می‌دانند.

از طرفی جی‌دی ونس، معاون ترامپ، خود را وارث بلافاصل معرفی می‌کند. او با پذیرش پرونده‌های حساسی مانند مذاکره با ایران، سعی دارد تصویر یک دولتمرد کارکننده را بسازد. اما مواضع تند و تیز او در حمایت از ملی‌گرایی مسیحی و اظهارات جنجالی‌اش درباره هویت نژادی، نشان می‌دهد که او بیش از آنکه یک سیاستمدار معتدل باشد، دنباله‌رو همان مسیر افراطی‌گری است که ترامپ پایه‌گذاری کرد. با این حال، سرنوشت سیاسی ونس به انتخاب میان‌دورهای پیش رو گره خورده و اگر دمکرات‌ها در آن انتخابات پیروز شوند، رویای ونس برای همیشه به پایان خواهد رسید.

در سوی دیگر، مارکو روبریو، وزیر خارجه، به عنوان گزینه محبوب جریان سنتی جمهوری خواهان مطرح شده است. او که سال‌ها به عنوان یکی از تندروترین سناتورهای ضدایرانی شناخته می‌شده، اکنون در قامت یک دیپلمات ظاهر شده و تلاش می‌کند فاصله خود را با افراطی‌گری‌های MAGA حفظ کند. اما نباید فراموش کرد که روبریو نیز مانند دیگران، تنها به فکر منافع شخصی و قدرت است و در صورت لزوم، بار دیگر نقاب واقعی خود را بر چهره خواهد زد.

در این میان چند سناتور دیگر مثل «تد کرو» با ادعاهای واهی درباره انزواطلبی ونس، و «جاش هاولی» با شعارهای پوپولیستی، هر یک به نوعی در تلاش برای جلب آرای گروه‌های خاص هستند. کرو که سال‌ها پیش خود را رقیب سرسخت ترامپ نشان می‌داد، اکنون با چاپلوسی و تملق، در پی جلب نظر هواداران ترامپ است. هاولی نیز با طرح شعارهای حمایت از کارگران، در تلاش است چهره‌ای متفاوت از خود به نمایش بگذارد. «رن دسانتیس» که پس از شکست در رقابت‌های قبلی، اکنون با پایان دوره فرمانداری خود مواجه است، و «کلن یلنگین» نیز در زمره مدعیانی هستند که نمی‌خواهند از قطار قدرت عقب بمانند. نکته جالب اینکه حتی دونالد ترامپ، فرزند ارشد ترامپ، با ادعای مضحک «حساس تکلیف» نشان داده که خانواده ترامپ نیز قصد ندارد به این راحتی از کاخ سفید دست بکشد. تا کرلسون نیز که این روزها با بریدن از ترامپ، در حال ایجاد جبهه جدیدی در میان مخاطبان‌اش است، نشان می‌دهد که اردوگاه MAGA با فروپاشی درونی مواجه است. آنچه مسلم است، این رقابت تنگاتنگ، حکایت از بحران هویت و فقدان رهبری در این حزب دارد. ترامپ که سال‌ها مدعی «تنها کسی که می‌تواند آمریکا را نجات دهد» بود، اکنون حزی را به یادگار می‌گذارد که در فقدان او، به جنگ داخلی و هرج‌ومرج گرفتار شده است.

[بهرام بختیاری]

▼ خبر ویژه جنگ گرگ‌های صهیونیست بر سر قدرت

روزنامه هآرتس در تحلیلی از صحنه سیاسی رژیم صهیونی، این روزها را مملو از توطئه‌ها برای کنار زدن رقبای توصیف کرده و نوشته است که «تقریباً تمامی شخصیت‌های سیاسی حاضر در صحنه سیاسی اسرائیل مشغول برنامهریزی برای کنار زدن و حذف دیگری هستند» به نوشته این روزنامه، همه این روزها سرگرم توطئه‌های بنیامین نتانیاهو و متحدانش در حزب لیکود و درگیر رقابت مستقیم میان گادی آیزنکوت در حال صعود و نفتالی بنت هستند که می‌کوشد برای تغییر موازنه خود را به او برساند. هآرتس با اشاره به اینکه «هنوز برای قضاوت درباره آنچه تحقق نیافته زود است»، تأکید کرده که «روی میز انتخاباتی بسیار دشوار و خطرناک قرار دارد» و با وجود افزایش نشانه‌های شکست، نتانیاهو تنها بازیگر صحنه سیاسی باقی می‌ماند که توانایی خود را در برخاستن از بدترین شکست‌ها نشان داده است و «بازی به پیروزی ندارد» برای او کافی است که بازنده نشود و ریاست یک کابینه انتقالی را بر عهده بگیرد که به او اختیارات و قدرت‌های دیکتاتوری ببخشند. این روزنامه همچنین پیش‌بینی کرده است که اگر ائتلاف مخالف نتانیاهو از برتری برخوردار باشد و نلزمی از این حزب واقعاً مأمور تشکیل کابینه شود، «به احتمال زیاد یک کشمکش داخلی میان آیزنکوت، بنت و لیبرمن بر سر هویت نخست‌وزیر درخواهد گرفت». هآرتس با اشاره به سابقه بنت که با شش کرسی نخست‌وزیری را بر عهده گرفت، نوشته است که «همه چیز محتمل و حتی مشروع به نظر می‌رسد. رهبران احزاب ائتلاف وعده می‌دهند که سرنوشت نتانیاهو هدف مشترک همه و مهم‌ترین هدف است».

ایران در زور آزمایی با آمریکا برتری تاکتیکی پیدا کرد

دریاسالار پیشین فرانسوی، پالسکال اوسر، در گفت‌وگو با رادیو فرانسه با اشاره به تحولات اخیر در تنگه هرمز، تأکید کرد که ایران در زور آزمایی با آمریکا «برتری تاکتیکی پیدا کرده» و «کنترل رگ حیاتی منطقه و بخش مهمی از اقتصاد جهان را در اختیار دارد.» به گفته وی، ترامپ «اهمیت عزت نفس و غرور ملی در خاورمیانه و آسیا را دست کم گرفته» و تصور کرده است که می‌تواند تهران را با فشار به پذیرش توافق وادار کند، اما حکومت ایران مقاومت کرد و اکنون تنها راهی که ترامپ دارد این است که تلاش کند با گذشت زمان، فشارها را افزایش دهد. اوسر با اشاره به اینکه «آمریکایی‌ها در دور اول این بازی که در خلیج فارس و تنگه هرمز انجام شد، شکست خورده‌اند»، تصریح کرد که این احساس در سطح منطقه وجود دارد که «ایرانی‌ها، تقریباً در هر شرایطی، برنده این بازی خواهند شد» و به همین دلیل است که آنها خواسته‌های خود را بالاتر می‌برند. دریاسالار پیشین فرانسوی با بیان اینکه تنگه هرمز در کنترل ایران است، گفت که کشورهای خلیج فارس به شدت آسیب‌پذیر هستند و حاضرند تقریباً هر نوع مصالحه‌ای را بپذیرند تا فعالیت‌های اقتصادی خود را از سر بگیرند. وی همچنین با اشاره به ائتلاف جدید عربستان با ترکیه و پاکستان و تشکیل ائتلاف دریایی با ۱۴ کشور، گفت که این اقدامات بیشتر جنبه دیپلماتیک دارد و نمی‌توان تصور کرد که ترکیه و پاکستان در صورت حمله دوباره ایران به عربستان، مستقیماً وارد جنگ شوند.

گرفتاری سعودی در بن‌بست راهبردی یمن

کارشناس مسائل غرب آسیا در مرکز مطالعات راهبردی و بین‌الملل (CSIS) با اشاره به اقدامات اخیر انصارالله یمن علیه عربستان سعودی، تأکید کرد که این جنبش «یک جنبش انقلابی-اسلامی مستقل» است که تصمیمات خود را به شکل مستقل اتخاذ می‌کند و «هرگز قرار نیست که بر اساس محاسبات و مطالبات ایران یا دیگر اعضای محور مقاومت، تمام اقدامات خود را تنظیم و اجرا کند» مایکل راتنی با اشاره به برقراری پل هوایی تهران-صنعا و شکست تلاش‌های سعودی برای جلوگیری از آن، گفت که انصارالله با حمله به فرودگاه ابها و سپس اعلام محاصره دریایی علیه کشتی‌های سعودی در باب‌المندب، به‌صورت حساب‌شده در نزدین تشدید علیه عربستان پیش رفته است. به گفته این کارشناس، با بسته شدن تنگه هرمز، دریای سرخ به مسیر جایگزین مهمی برای صادرات نفت عربستان تبدیل شده بود، اما اقدامات انصارالله در باب‌المندب این مزیت راهبردی را نیز در معرض تهدید قرار داده است. راتنی با اشاره به گرفتاری سعودی در بن‌بست راهبردی، تصریح کرد که ریاض از یک سو می‌داند که توافق احتمالی ایران و آمریکا لزوماً به معنای پایان حملات انصارالله نیست و از سوی دیگر، هر اقدام نظامی سعودی علیه یمن در نبود حمایت کامل آمریکا، بی‌فایده خواهد بود. این کارشناس تأکید کرد که عربستان میان لزوم واکنش مستقل به یک جنبش دارای اراده و راهبرد مستقل و بی‌میلی آمریکا به گسترش جنگ گرفتار شده و درگیری مجدد در یمن، به‌رغم هزینه‌های سنگین آن، می‌تواند یکی از پیامدهای ناخواسته جنگی باشد که ریاض از ابتدا تمایل چندانی به ورود به آن نداشت.

گورستان پهپادهای آمریکایی در تنگه هرمز

ارتش آمریکا در جنگ با ایران حدود یک‌چهارم از ناوگان پهپادهای تهاجمی-شناسایی «MQ-۹ Reaper» خود را از دست داده است. بر اساس گزارش الجزیره، این پهپادها که هر فروند آن‌ها بین ۳۰ تا ۵۰ میلیون دلار هزینه دارد، در جریان درگیری‌های اخیر به اهدافی سهل برای سامانه‌های دفاعی ایران تبدیل شده‌اند. داده‌های نظامی نشان می‌دهد که آمریکا پیش از آغاز درگیری‌ها حدود ۱۸۵ فروند از این پهپادها در اختیار داشت، اما شهادت سپهبد «دیوید تابور» در ماه مه گذشته در سنای آمریکا نشان داد که تعداد پهپادهای عملیاتی به حدود ۱۳۵ فروند کاهش یافته است که این امر بیانگر از دست رفتن دست‌کم ۲۵ درصد از این ناوگان است. الگوهای پروازی این پهپادها، به‌ویژه در ارتفاع پایین و سرعت محدود، آن‌ها را در برابر پهپادهای ارزان‌قیمت‌تر ایرانی به «طعمه» تبدیل کرده است. منطقه تنگه هرمز که به میدان نبرد اصلی تبدیل شده، اکنون به گورستان گران‌قیمت‌ترین تجهیزات شناسایی آمریکا بدل گشته است. ناکارآمدی «ریپر»ها در این درگیری، نگرانی‌های شدیدی را در پنتاگون ایجاد کرده و باعث شده است مقامات نظامی بر لزوم بازنگری و نوسازی سریع ناوگان پهپادی خود تأکید کنند. به گزارش الجزیره این شکست نه تنها ضربهای اقتصادی به وزارت دفاع آمریکا محسوب می‌شود، بلکه حاکی از تغییر موازنه قوا در منطقه به نفع تاکتیک‌های بومی و کم‌هزینه نیروهای دفاعی ایران است. این کاهش چشمگیر در ناوگان پهپادی آمریکا، توان نظارتی و شناسایی واشنگتن را در منطقه به شدت تحت تأثیر قرار داده و نشان می‌دهد که ایران با استفاده از سامانه‌های دفاعی بومی و تاکتیک‌های جنگ نامتقارن، توانسته است برتری تکنولوژیک آمریکا را به چالش بکشد. ادامه این روند می‌تواند هزینه‌های سنگین‌تری را بر پنتاگون تحمیل کند و معادلات نظامی منطقه را به نفع ایران تغییر دهد.

▲ مؤسسه گلدمن ساکس اعلام کرد صادرات نفت از خلیج فارس به دلیل تنش‌های منطقه‌ای ۶۴ درصد کاهش یافته و به حدود ۸,۴ میلیون بشکه در روز رسیده است. این حجم تنها ۳۶ درصد از سطح پیش از آغاز درگیری‌هاست. به گفته این مؤسسه اختلال در مسیرهای ترانزیتی، انتقال نفت از کشورهای حاشیه خلیج فارس را با محدودیت جدی مواجه کرده است. همچنین بارگیری نفت در بندر یمنع عربستان به‌عنوان مسیر جایگزین خارج از خلیج فارس به‌شدت کاهش یافته است. این ارقام از کمترین سطوح صادرات نفت منطقه در سال‌های اخیر محسوب می‌شود.

▲ سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه، اعلام کرد: «هنوز تصمیمی برای آغاز مجدد مذاکره با آمریکا گرفته نشده است.» وی با اشاره به نقض یادداشت تفاهم از سوی آمریکا گفت: «چیزی به عنوان آتش‌بس نداشتیم که بخواد تمدید شود؛ بلکه خاتمه جنگ را داشتیم که اکنون وضع جدیدی پیدا کرده است.» عراقچی درباره مذاکرات با عمان توضیح داد: «مذاکرات ما با عمان جریان دارد، اما این یک بحث فنی مربوط به تعیین خطوط دریایی تنگه هرمز است. مسیرهای قبلی دیگر کارایی ندارد و باید مسیر جدیدی تعریف شود.» وی تأکید کرد: «باز شدن تنگه هرمز منوط به تحقق شرایطی است که آمریکا باید به آنها پایبند باشد.» وزیر امور خارجه گفت واسطه‌ها پیام‌هایی رد و بدل می‌کنند اما این به معنای مذاکره نیست.

▲ کاظم جلالی، سفیر کشورمان در روسیه، با انتقاد از سکوت سازمان‌های بین‌المللی در قبال جنایت میناب گفت: «۱۶۸ روز از آن شنبه سیاه گذشت؛ هر روز یک داغ، به نشانه هر یک از ۱۶۸ کبوتر سپیدبال دبستان شجره طیبه میناب که آرزوهایشان با شقاوت موشک تاماهاک خاکستر شد.» وی افزود: «این ۱۶۸ روز، فریاد بی‌صدای ۱۶۸ کودکی است که سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها چشمانشان را بر این روز سیاه تاریخ بستند.» جلالی با طرح این پرسش که «جهان چگونه می‌تواند در برابر این جنایت آشکار سکوت کند؟»، تصریح کرد: «مدرسه میناب قصه کودک‌کشی در حقوق بشر آمریکایی را به نمایش گذاشت.»

▲ سید صدرالدین قبانچی، امام جمعه نجف، خواستار اجرای بدون تأخیر تصمیم خروج نیروهای ائتلاف بین‌المللی از عراق شد و گفت: «پس از ۳۰ سپتامبر، نیروهای ائتلاف نباید در عراق باقی بمانند.» وی تأکید کرد: «پرونده خروج ائتلاف نباید به موضوع مورد اختلاف حصر سلاح گره زده شود؛ این موضوع نیازمند بررسی مستقل و اخذ نظر مرجعیت دینی است.» قبانچی یادآور شد این تصمیم پس از شهادت سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس در پارلمان عراق تصویب شده و تصمیم جدیدی نیست. وی این مصوبه را درست خواند و اجرای آن را بدون تعویق، عقب‌نشینی یا تردید خواستار شد.